

- Crockett, J. B. (2002). Special education's role in preparing responsive leaders for inclusive schools. *Remedial and Special Education*, 23(3), 157-168.
- Guba, E. G., Lincoln, Y. S. (1994) *Competing paradigms in qualitative research*, Handbook of qualitative research, London CA: Sage.,
- Kauffman, J. M., & Hallahan, D. P. (1995). The illusion of full inclusion: A comprehensive critique of a current special education bandwagon: ERIC.

تأثیر نقاشی درمانی بر اختلالات درونی سازی شده دانش آموزان با ناتوانی یادگیری

محمد رضا مرادی^۱، امیر قمرانی^۲

چکیده

زمینه و هدف: دانش آموزان با ناتوانی یادگیری به دلیل شکست‌های تحصیلی متوالی خود با مشکلات روانشناختی متعددی رو به رو می‌باشند. پژوهش حاضر با هدف بررسی اثربخشی هنردرمانی با رویکرد نقاشی بر کاهش اختلالات درونی سازی شده دانش آموزان پسر با ناتوانی یادگیری صورت گرفت.

روش بررسی: روش پژوهش آزمایشی و از طرح پیش آزمون- پس آزمون با گروه کنترل استفاده شد. به این منظور از بین دانش آموزان پسر با ناتوانی یادگیری پایه‌ی سوم ابتدایی، تعداد 30 نفر که ملاک‌های ورود به پژوهش را دارا بودند به شیوه نمونه-گیری چند مرحله‌ای، انتخاب و با روش تصادفی در دو گروه آزمایش و کنترل گمارده شدند. مقیاس‌های مورد استفاده عبارت از مقیاس مشکلات رفتاری آخنباخ- فرم معلم و ماتریس‌های هوشی پیش‌رونده‌ی ریون کودکان بود. داده‌های بدست آمده با روش آماری تحلیل کواریانس مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: نتایج پژوهش نشان داد که بین اختلالات درونی سازی شده‌ی گروه آزمایش و کنترل در سطح $p < 0/001$ تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

نتیجه‌گیری: بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که نقاشی درمانی بر کاهش اختلالات درونی سازی شده‌ی دانش آموزان پسر با ناتوانی یادگیری مؤثر است و به عنوان یک روش آموزشی و درمانی می‌توان از آن استفاده نمود.

^۱ - دکتری کودکان استثنایی

^۲ - استادیار گروه روانشناسی و آموزش کودکان با نیازهای خاص، دانشگاه اصفهان

واژگان کلیدی: نقاشی درمانی، اختلالات درونی سازی شده، ناتوانی یادگیری

مقدمه

ناتوانی‌های یادگیری جزء اختلالات هیجانی نیستند و حتی به علت آن پدید نمی‌آیند اما بر جنبه‌های هیجانی فرد تاثیر بسیاری دارند (سیدریدس^۱ و همکاران، ۲۰۰۶). دانش‌آموزان دارای اختلال یادگیری سطح بالایی از مشکلات اجتماعی و هیجانی را در مقایسه با دانش‌آموزان عادی از خود نشان می‌دهند (آرباچ^۲ و همکاران، ۲۰۰۸؛ سیدریدس، ۲۰۰۷؛ کلاسن و لینچ^۳، ۲۰۰۷). به طور مثال یکی از مشکلاتی که افراد دارای اختلال یادگیری با آن مواجه‌اند، نارسایی هیجانی است که به ناتوانی در پردازش شناختی اطلاعات هیجانی و تنظیم هیجان‌ها گفته می‌شود (تیلور و بگی^۴، ۲۰۰۰).

از دیگر مشکلات این کودکان ناتوانی در مهارت‌های اجتماعی است و بر عملکرد حوزه‌های مختلف زندگی آنها (مدرسه، خانه و حتی بازی) اثر می‌گذارد (لاووی^۵، ۲۰۰۵). این دانش‌آموزان به ویژه در پردازش اطلاعات اجتماعی با مشکلات مواجه هستند (بامنیگر و کیمهی^۶، ۲۰۰۸). مهارت‌های بین فردی پایینی دارند (واینر^۷، ۲۰۰۴) و از لحاظ اجتماعی طرد شده و تنها هستند (استل^۸ و همکاران، ۲۰۰۸). نقص مهارت‌های اجتماعی در افراد دارای ناتوانی یادگیری در دوران کودکی (نابوزوکا^۹، ۱۹۹۵)، نوجوانی (ماست و گرین بنک^{۱۰}، ۲۰۰۰)، و حتی در بزرگسالی تداوم دارد. در واقع این دانش‌آموزان توانایی کمی در فهم جنبه‌های غیر کلامی و مشکلاتی در کارکردهای شناختی / اجتماعی دارند که نیازمند نشانه‌های موقعیتی، فهم اهداف و درگیر شدن در تعاملات اجتماعی است (ووگهن، البام و بوردمن^{۱۱}، ۲۰۰۱).

¹ -Sideridis

² -Auerbach

³ -Klassen & Lynch

⁴ -Taylor & Bagby

⁵ -Lavoie

⁶ -Bauminger & Kimhi

⁷ -Wiener

⁸ -Estell

⁹ -Nabuzoka

¹⁰ -Most & Greenbank

¹¹ -Vaughn, Elbaum & Elbaum